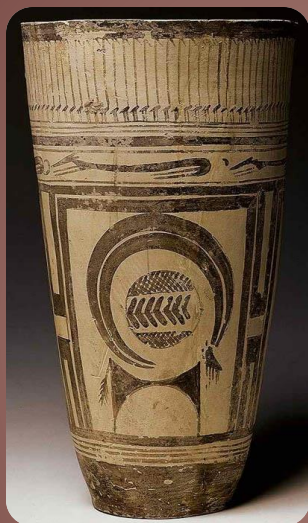


بازشناسی موتیف ها و عناصر نمادین ماه و مهر از منظر زیبا شناسی

* دکتر فاطمه کاتب ** زهرا پورخوش



nfkateb@gmail.com
z.poorkhosh@yahoo.com

* دکتر فاطمه کاتب - دانشیار گروه پژوهش هنر - دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء "س"
* زهرا پورخوش - کارشناس ارشد پژوهش هنر - دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء "س"

انسان به وسیله حس‌ذاتی زیباشناسی خالق اثری هنری می‌شود که معنویات و احساسات درونی‌اش در آن تجلی می‌یابد. هنر و زیبایی در وجود انسان نهادینه شده و باسرشت و روح آدمی در آمیخته است. درست مثل خرد که به کالبد انسان معنا می‌بخشد، هنر نیز روح انسان را با مفاهیم حسی و لذت معنوی می‌آراید.

نماد ماه و خورشید علاوه بر جنبه زیبایی، کارکردی نمادین را در بر می‌گیرد و بازخوانی آن ما را از نحوه‌زندگی و اعتقادات مردمان دوران مختلف آگاه می‌کند. از این رو، در این پژوهش باهدف شناخت و بررسی نقوش نمادین «ماه و خورشید» مفاهیم این دو اختر در آثار هنری مجدداً بررسی و بازخوانی شده است. برای دستیابی به این هدف از روش تحقیق، توصیفی- تحلیلی استفاده شده و اطلاعات و داده‌های مورد نیاز این پژوهش نیز با استفاده از روش اسنادی، کتابخانه‌ای به دست آمده است.

پژوهش پیش‌رو، جهت پاسخ‌گویی به چگونگی زیبایی و کاربرد نقش ماه و خورشید، در هنر ایران انجام گرفته و به این نتایج دست یافته است که؛ در تک‌تک اجزای نقوش تزئینی ایران، آرمان‌گرایی که برگرفته از همان خصوصیت وحدت کل و کثرت جزء است، حاکم بوده است و خورشید و ماه به علت تقدس و احترامی که عوام و هنرمندان ایرانی، نسبت به این نمادها از نظر مذهبی قایل بوده و آن‌را منشاء خیر و برکت و خوشبختی می‌دانسته‌اند و به علت سنجیت این نمادها با مفاهیم اسلامی تنظیم و پرداخته شده است.

در آخر، یافته‌های این پژوهش، پس از گردآوری شواهد لازم و تجزیه و تحلیل آنها به روش کیفی، به بررسی نمونه‌هایی از کاربرد زیباشناسی این نمادها در هنر ایرانی می‌پردازد و نشان می‌دهد که این نقش به عنوان رکنی مهم در نمادگرایی هنر ایرانی دارای معانی چندگانه بوده است؛ لذا شایسته بکارگیری آگاهانه و مستمر آن در هنرهای معاصر نیز هست.

کلید واژگان: زیباشناسی، نماد، ماه، خورشید.



وقتی به هنر می‌اندیشیم اولین موضوعی که به ذهن می‌رسد زیبایی است. پس می‌توان گفت اساس خلقت هنر زیبایی است. هنر به وجود آمد تا زیبایی ظهور پیدا کند و درک شود. هنر علم نیست که با ابزار عقل سنجیده شود و یا مشاهده شود، بلکه هنر ذهنی و درک‌شدنی است. دیدگاه کانت در باب سنجش و داوری هنر با نام نقد حکم باعث وقوع انقلابی در حوزه زیباشناسی می‌شود، چرا که او براین باور است که زیبایی بر ادراک حسی است و لذت حاصل از این احساس ورای احساسات فیزیکی و تجربی است و آن را یک احساس درونی می‌نامند. برخلاف کلاسیک‌ها کانت نشان می‌دهد که هنر تصور کمال را آشکار نمی‌کند. مأموریت هنر آن نیست که ایده‌ای خوب را به خوبی نشان دهد، بلکه هنر باید ناخودآگاه اثری بدیع بیافریند که بی‌درنگ برای همه مردم دلالت‌هایی داشته باشد. ونماها آثار بدیع هستند که برای مردم، دنیایی از دلالت‌ها را به دنبال دارند. نمادها مهم‌ترین آثار هستند که از زندگی مردمان ایران باستان بر جای مانده‌اند. این نمادها با نقوش زیبا بیانگر عقاید، آداب و رسوم و توجه آنها به محیط پیرامونشان هستند. شاخص‌ترین این نمادها، نقش خورشید و ماه است، که علاوه بر اهمیت آن در زندگی مردم، از تقدس خاصی نیز برخوردار هستند.

این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده و به اهمیت و تقدس خورشید و ماه در ایران و تحلیل زیباشناسی آنها اشاره داشته است گرچه به جهت اهمیت نمادها تاکنون مطالعات مفهومی زیادی بر روی موضوعاتی مشابه انجام گرفته است. اما با این‌که آگاهی از چگونگی پیدایش نقوش و سیر تحول آنها در ایجاد دیدگاه نو در چگونگی هنر ایران تاثیر مهمی دارد، کمتر به این امر توجه شده است. به این منظور در پژوهش پیشنهادی، ابتدا به نمادهای خورشید و ماه اشاره و سپس با استفاده از دیدگاه کانت در زیباشناسی به شناسایی موتیف‌های مهر و ماه در ایران پرداخته می‌شود.



هنر و زیبایی

هنر مقوله‌ای حسی و ذهنی است و آنچه سبب خلق یک اثر هنری می‌شود قوه ذوق است، اما نباید نقش عقل را نادیده بگیریم. از نظر کانت در فعالیت هنری عقل و احساس مکمل یکدیگرند.

فعالیت هنری، بر بنیاد این استعداد آدمی قرار دارد که انسان، با گرفتن شرح احساسات انسان دیگر، از راه شنیدن و دیدن، می‌تواند همان احساسی را که شخص بیان‌کننده و شرح‌دهنده تجربه کرده بود، وی نیز همان احساس را تجربه کند (تولستوی، ۱۳۶۴: ۵۵). هنر فعالیت انسانی است که انسان آگاهانه و به یاری علایم ظاهری، احساسات تجربه شده خود را به دیگران انتقال دهد، به طوری که آنها نیز آن احساسات را تجربه نمایند و از مسیر حسی و خیالی که هنرمند از آن گذشته است بگذرند. هنر وسیله کسب لذت نیست بلکه وسیله ارتباط با انسان‌ها جهت سیر به سوی سعادت فرد و جامعه انسانی است. زیبایی کیفیتی در شیء نیست، بلکه زیبایی کیفیتی است که در ذهن مخاطبی که به آن تأمل می‌کند، شکل می‌گیرد. مطابق این تعریف، زیبایی گونه‌ای از احساس، و احساس نیز رابطه با انطباق ذهن و عین است. از آنجا که هر احساسی در زمره تأثیرات حسی است، پس زیبایی نیز چیزی جز تأثیر حسی ساده در ذهن نیست (هیوم، ۱۳۵۸: ۱۱۶). حوزه زیبایی به مراتب از حوزه هنر گسترده‌تر است چرا که زیبایی محدود به مصنوعات بشری نیست.

نماد و رمز پردازی

نماد تجلی یا واسطه امری معنوی محسوب می‌شود و نمادپردازی و رمزپردازی جایی آغاز می‌شود که امکانات بیان محدود بوده و زبان عاجز می‌شود.

نماد رازی است که باید آن را گشود. اما آن چه آن را نماد می‌نامیم چیست؟ می‌توان بر آن بود که نماد نمونه‌ی برترین است، در آن چه آن را به شیوه‌ای رمزی باز می‌تاباند و باز می‌نماید. از این روی، نماد به ناگزیر در سرشت از گونه‌ای «همه‌سویگی» برخوردار است. (کزازی، ۱۳۷۶: ۱۶۲).

نماد چیزی است که به جای چیز دیگری به کار می‌رود و می‌تواند انتقال‌دهنده عادات و باورهای هرملت از نسلی به نسل‌های بعدی باشد. خصوصیات چون روح جمعی، بی‌زمانی، مقبولیت عام، ریشه‌دار بودن و تداوم داشتن از مشخصه‌های نمادپردازی در هنر است. نمادها را به طور کلی می‌توان به سه دسته هندسی، گیاهی و حیوانی تقسیم نمود. این نمادهای هندسی، گیاهی و حیوانی از آغاز تا امروز در نمادگرایی هنرهای سنتی و اسلامی دیده می‌شوند که بعضی از آنها به تدریج در تاریخ محو شده‌اند و برخی دیگر چون نقش خورشید تا امروز در شاخه‌های هنرهای اسلامی و سنتی ایران باقی مانده‌اند.

زیباشناسی، فعالیت حسی از دیدن نمادها را ارزیابی و بررسی می‌کند. هنر به یک پدیده تبدیل می‌شود و به صورت یک حقیقت قابل درک انسانی در می‌آید و مادامی که یک حقیقت انسانی است، در معرض قوانینی قرار می‌گیرد که به وسیله انسان تحمیل شده است. زیباشناسی محور اصلی هنر و ارزیابی آثار هنری است. «هرگونه قضاوت که راجع به هنر شود، ملاحظات زیباشناسی بی شک اهمیتش در درجه اول است.» (زرین کوب، ۱۳۶۳: ۱۸).



نگاره‌های نمادین، تبلور پندارهای گذشتگان ما محسوب می‌شوند که تا به امروز برای ما به یادگار مانده و بازتاب ممتد و پایداری از باورها و آیین‌های کهن این سرزمین‌اند که تداوم خود را در طول تاریخ حفظ نموده‌اند. علاوه بر این شناخت مفاهیم این نگاره‌های نمادین ابزاری به دست می‌دهد تا با درک خاصیت زیبایی و هم‌نشینی نمادها، رازهای نهفته در بسیاری از آثار برجای مانده از نیاکانمان آشکار گردد.

خورشید

«بنا به گفته دانتی در همه‌ی عینیات جهان چیزی ارزشمندتر از خورشید به عنوان نماد خدا وجود ندارد، زیرا که خورشید با زندگی مرئی‌اش، نخست خود و همه اجرام آسمانی و زمینی را منور می‌گرداند.» (کوپر، ۱۳۸۶: ۱۳۲).

در ایران، خورشید از اهمیت خاصی برخوردار بود و در هزاره‌های سوم و چهارم پیش از میلاد، خورشید در شمار بزرگترین خدایان قرار داشت؛ خورشید خدا در ایران با نام میترا(مهر) خوانده می‌شد که خدای روشنایی و پاس‌داری از ایران باستان بود. خورشید را در اوستا هورخشنتو در پهلوی خورشید گویند. لغت دیگری که برای خورشید به کار می‌رود، کلمه آفتاب است. در اوستا هور یا هورخشنت هم به معنی قرص خورشید است و هم نام فرشته‌ای است. در جاهایی که به معنی آفتاب یا قرص خورشید است. غالباً با ماه و ستارگان یک‌جا ذکر شده است. در بندهش در باره‌ی آفرینش و جای‌گاه خورشید چنین آمده است: «آسمان، آب، زمین، گیاهان، حیوانات و انسان شکل گرفتند. هنگام طلوع جهان، خورشید در میانه آسمان، جایی که هنگامه ظهر می‌ایستد، ایستاد. گویی در بهاری ابدی(اعتدال بهاری) و یورش اهریمن، عالم را دگرگون ساخت و خط زمین و آسمان در گوشه‌ای در امتداد هم قرار گرفتند و از این رو، فصول تغییر کرد.» (راسل، ۱۳۸۳: ۱۰۱).

نام‌های خورشید

مشهورترین نام‌های خورشید عبارتند از: سوریا یعنی درخشنده و نام دیگر خورشید آدی‌تیا یعنی گستره‌ی ازلی و نیز به مفهوم منبع و منشاء نیز آمده است.

گردونه مهر، چرخ‌دارما، چلیپا، صلیب، صلیب شکسته، گل نیلوفر و گل آفتاب گردان، آیگون و نمادهای خورشید بوده است گردش نظام کائنات از دیرباز در نمادهای باستانی خاورمیانه رواج داشته است و خورشید و نام‌هایش جایگاهی والا در هنر داشته‌اند.



نماد قرص خورشید در ایران

در میان اقوام کهن خورشید از جایگاه بسیار رفیعی برخوردار بوده است. برای ایشان خورشید به سان الهه‌ای بوده که سرچشمه نور و حاصل‌خیزی به شمار می‌آمده است. ایرانیان برای خورشید احترام ویژه‌ای قائل بوده‌اند، بطوری که بخشی از اوستا به نام «خورشیدیش» به ستایش خورشید اختصاص یافته بود و همچنین یکی از نمادهای ایزدمهر نیز به شمار می‌رفته است (عتیقه چی، ۱۳۸۳). پیک خورشید دارای بعضی از نمادهایی است که نشانه‌های سُل (sol) هستند، یعنی تاجی که دارای شعاع، مشعل و تازیانه است. تشرف یافته‌گان به این مرتبه در ضیافت همگانی در جایگاه سُل قرار می‌گیرند. مَهرهایی از شوش (اواخر هزاره سوم پیش از میلاد - اوایل هزاره دوم پیش از میلاد - حدود ۲۵۰۰ پیش از میلاد)، چغازنبیل (اواسط هزاره دوم پیش از میلاد)، حسنلو (اوایل هزاره دوم پیش از میلاد) و همچنین در نگاره آنوبانی‌نی (۲۱۰۰-۲۲۰۰) پیش از میلاد، نقوشی دیده می‌شود که به گونه‌ای خورشید را در آن ترسیم نموده‌اند. که بیانگر اهمیت و جایگاه خورشید در ایران بوده است (ملکزاده بیانی، ۱۳۷۵). بدون اغراق، خورشید زیباترین نقشی است که می‌توان آن را در هنر هخامنشیان یافت. (تصویر ۱) نقشی که با ظهور امپراطوری هخامنشیان ظهور و با افول ایشان افول ننموده است. در بعضی از نگاره‌ها این نقش با تصویر انسانی درون آن آمده است و در برخی دیگر فقط به صورت قرص بال‌داری است که بر بالای صفحه بال گسترانیده است. در ایران به نمونه‌هایی می‌توان اشاره کرد که این نگاره در آن یافت شده است.



تصویر ۱- نقش نگاره بال‌دار، تخت جمشید، کاخ سه دروازه قرن ۵ و ۶ پ. م. (گیریشمن، ۱۳۷۱ : ۱۹۹).



بیستون

پیکره‌ای در حجاری بیستون مشاهده می‌شود که لباس پارسی بر تن دارد، ریش‌دراز مربعی به سبک آشوری و کلاه‌ی استوانه‌ای که معمولاً بر سر خدایان بین‌النهرین است بر سر و ستاره‌ای هشت‌پر بالای سرش به چشم می‌خورد با جفتی بال پهن که سر آنها تیز نیست و در یک دست نماد الهی دارد و دست دیگر را به نماد سلام بلند کرده است. (تصویر ۲)



تصویر ۲- نماد خورشید، فروهر یا اهورا مزدا در حجاری بیستون

گوردخمه‌ها

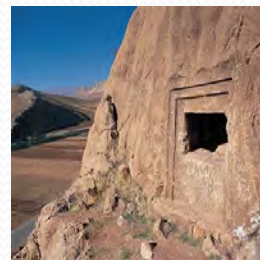
بر روی گوردخمه‌های هخامنشی شاه دست خود را به نشانه نیایش و ستایش به سوی آتش‌دان و فروهر بالای سر خود دراز می‌کند و به مظهر مقدس فروهر، خورشید و آتش احترام می‌کند (مصطفوی، ۱۳۲۰؛ سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۸۱؛ سامی، ۱۳۴۸). در این جا لبه بالایی این نماد همانند پیکره بیستون و تخت‌جمشید پهن است و تفاوتش با پیکره بیستون این است که تاج سرش بلند نیست و همانند شاه تاجی کوتاه بر سر دارد (بویس، ۱۳۸۵؛ کخ، ۱۳۸۰). از مکان‌های دیگری که این نماد یافت شده است می‌توان به معبد هی‌بیس، گوردخمه‌های منسوب مادی صحنه، قیزقاپان، اسحاق‌وند، فخریکا و سرخ ده اشاره کرد. (تصویر ۳ و ۴ و ۵).



تصویر ۳- گوردخمه اسحاق‌وند، جنوب غربی هرسین در کرمانشاه



تصویر ۴- گوردخمه فخریکا، در شمال شرقی مهاباد، استان آذربایجان غربی.



تصویر ۵- گوردخمه سرخ ده، بین روستا شمس آباد و سرخه ده، استان کرمانشاه.



تخت جمشید

در تالار تخت بر روی بدنه درگاه‌ها، بالای سایه‌بان‌ها و بر روی جرزه‌های درگاه‌های جنوبی این نماد به طول ۵۸ سانتی‌متر و در درگاه‌های شمالی با طول ۵/۵۹ سانتی‌متر، دیده شده است که دم و زائده زیر قرص بال‌دار وجود ندارد. (تصویر ۶ و ۷)



تصویر ۶- نقش نگاره بال‌دار در تخت جمشید، ایران (مصطفوی: ۱۳۲۰).



تصویر ۷- نقش نگاره بال‌دار بر دیواره پلکان شرقی آپادانا، ایران

این نماد در درگاه جنوبی به صورت ایستاده است و نقوشی نظیر گل نیلوفر بصورت باز و غنچه گونه در دست دارد. بر روی دیوارهای شرقی تالار شورا با طول ۵/۷۶ سانتی متر و در درب شمالی تالار به جای گل و غنچه، حلقه در دست دارد. در این جا این پیکره شبیه پیکره بیستون است با این تفاوت که تاج استوانه‌ای بین‌النهرینی بر سر ندارد و همانند شاه تاج را اندکی کج بر سر نهاده است و باز هم شبیه بیستون حلقه در دست دارد و برخلاف نقش بیستون سر بال‌ها نازک است و پرها به رنگ سبز و قرمز شده و لبه آنها رنگ دیگری داشته است و برای نخستین بار هرتسفلد متوجه کاربرد رنگ روی نماد بال‌دار شده است. قسمت‌های مرکزی نماهای راه پله‌های شمالی و شرقی آپادانا بدون نقش آدمی و به گونه قرص بال‌دار نمود یافته است. در کاخ تچر روی مدخل غربی، بر بالای راه پله‌های بالای کتیبه مرکزی، دم پرنده‌ای در صفحه‌ای مدور پدیدار می‌شود و بال‌های طرح مزبور بسیار کوتاه است. در کاخ هدیش در قسمت فوقانی راه پله، علامت مدور بال‌دار از نیم‌رخ است و حلقه‌ای به دست چپ دارد. آخرین نمونه این نشانه بر بالای آرامگاه نیمه تمام داریوش سوم هخامنشی دیده می‌شود. نکته جالب در این است که از داریوش با شکل و سیاق نقش بیستون در تخت جمشید نقشی نداریم. در تخت جمشید در تالار آپادانا صفحه‌ای از سنگ لاجورد به ابعاد ۵/۱۲×۵/۱۲ سانتی‌متر یافت شده که روی آن نقش یک عقاب با بال‌های گسترده به چشم می‌خورد (سامی، ۱۳۴۸). یک مهر استوانه‌ای به دست آمده از تپسدر مصر، از داریوش و دیگری مَهری است که حلقه بال‌دار را در دو قسمت بر روی درخت نشان می‌دهد و فاقد چهره انسان است (سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۸۱). یک جفت گوشواره طلا از زمان داریوش اول با عقیق کاری و فیروزه و لاجورد که در هر لنگه نیم تنه پیکری ریش‌دار با کلاه بلند چین‌دار، در یک دست گل و دست دیگرش را به علامت سلام بلند کرده، موجود است (بویس، ۱۳۸۵). (تصویر ۸)





تصویر ۸- گوشواره ی طلایی از دوره ی هخامنشی ➤

لوحة داریوش که هنگام حفر ترعه کانال سوئز در آنجا قرار داده شده است از سنگ خارا است به ارتفاع سه متر؛ که تصویر پادشاه زیر قرص بال دار خورشید نشان داده شده است. (تصویر ۹)



تصویر ۹ - سنگ نبشته داریوش در آبراه سوئز،
نسخه کبریت، متن فارسی باستان و عیلامی ➤

نزدیک گوشه شمال شرقی حیاط مرکزی خزانه تخت جمشید، قطعات زیادی از بدنه کاشی کاری که علامت صفحه مدور بال دار را نشان می دهد بدست آمده است. ورقه های برجسته مفرغی، طلا و نقره با علامت فروهر بال دار در خزانه تخت جمشید به میزان زیاد یافت شده است (اشمیت، ۱۳۴۲: ۴۷). در کاشی کاری های کاخ شوش بالای اسفینکس نقش حلقه بال دار به چشم می خورد (کرتیس، ۱۳۷۸). هم چنین در مهرهای به دست آمده از دوره داریوش و خشایارشا این نقش دیده شده است (کخ، ۱۳۸۰). که توصیف تمامی آنها در این مقال نمی گنجد. در یک تکه مربعی و یک گردنبند طلا نقش اهورامزدا کنده شده است که در موزه آرمیتاژ سن پترزبورگ نگهداری می شوند.

۸ زمستان ۱۳۹۴



جدول ۱ - نمادهای ماه و خورشید

عنوان نماد	نماد حیوانی	نماد گیاهی	نماد هندسی
نمادهای خورشید	شیر اسب گاو گراز عقرب	آذین گل سرخ نیلوفر	دایره پرتودار چلیپا دایره چرخ قرص بال دار
نمادهای ماه	بزکوهی شیردال سرعقاب، بدن شیر، پای چنگال دار مار حلزون گوزن خرگوش	نخل	شاخ خمیده صاف شاخ بزکوهی از نمادهای ماه است خرگوش از نمادهای ماه به شمار می رود هلال ماه از قدیم نماد ماه بوده است بزکوهی ربالنوع ماه است بدن گوزن در بسیاری از نقوش با دو مثلث نشان داده شده که قبلاً نماد آسمان بوده و بعد به ماه اختصاص یافته است . در بسیاری از موارد نیز خدای آسمان از خدای ماه قابل تفکیک نیست.



جدول ۲- نمادهای حیوانی متعلق به خورشید

نقش نماد	توضیح نماد
	❖ بزکوهی با گل لوتوس در میان شاخ‌ها ❖ بزکوهی با علامت گردونه خورشید در میان شاخ‌ها: ❖ عموماً پس از فرمانروایی خورشید، علامتی شبیه ستاره چندپر که اصطلاحاً «لوتوس» گویند، در بین شاخ‌های بزکوهی به عنوان نماد خورشید رسم گردیده است.
	❖ گاو: گاو در ابتدا از حیوانات متعلق به ماه بوده و در زمان پرستش خورشید حیوان متعلق به آن می‌گردد.
	❖ اسب: اسب از دیگر حیوانات منسوب به خورشید است.
	❖ شیر: شیر نماد میترا، خورشید، تابستان، گرما، پیروزی، قدرت و نور است.
	❖ شتر: نماد صبر، تحمل، استقامت، حیوان کبیر، خشکی و آفتاب است.
	❖ کلاغ: از پرندگان منسوب به مهر، پیک خورشید و بشارت دهنده می‌تراست.
	❖ عقرب: نماد متعلق به خورشید است.
	❖ مار: در ابتدا متعلق به ماه و بعدها از حیوانات متعلق به مهر گشت و به همراه میترا نقش می‌گردید و تهدیدی برای درخت ماه محسوب می‌شود.
	❖ عقاب یا شاهین: این پرنده نشانه اقتدار و توانایی و جلال و عظمت بوده است و در دوران باستان سمبل قدرت و قرشاهی بوده است. در عیلام مظهر خدای «این شوشیانگ» خدای حامی شوش بود. شاهین با بال‌های گشوده مظهر حمایت الهی و خدای حامی است. پیکی است میان خورشید و آدمی.

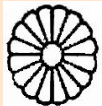


جدول ۳ - نمادهای هندسی متعلق به خورشید

نمادهای هندسی	توضیح نماد
	چرخ: چرخ، نمادی از خورشید است پرتوهای خورشید بمپرهای چرخشی که محورش هم چون مرکزی بیچرکت، نطراگر به اُصلی است.
	حلقه: در آیین هتلمس محل قه، خودنمادی از چرخ است. حلقه و طسولاً نطره هموار متصل به قسیمی بوده است وکلون آن مرکزی وحدت است.
	یگزاکنی گزاک های پیچیده نمادی است قش ان دیده اشعه خورشید است.
	سواستیکا: خورشید آریایی ایگردونه مهر «ای ایگردونه خورشید» نام های هگرنش آسریلی م عرو فبه «سواستیکا» هتلمس کی از دی و یقینی نقش طیه های باستیلی است و دیو شترت مدن های کهن وجود داشته. طن نشانه در هر فطق مضمومی خاص داشته است. مثلاً در چین نشانش ادکامی و خوشبختی و در ایران مظهر و نشانه ماین خورشید بوده است بگاه طن علامت در هان شاخ زکو هی دیده میشد.



جدول ۴- نمادهای گیاهی متعلق به خورشید

نقش نماد	توضیح نماد
گل لوتوس یا نیلوفر آبی: گل لوتوس را اصطلاحاً گل خورشید نامند در ایران باستان علامت مقام سلطنت نیز بوده است.	
سرو: درخت سرو یا کاج ویژه خورشید است. درختی همیشه سبز و با طراوت، کنایه از بهار است و گاه آنرا را منسوب به ماه دانسته اند.	

این نمادها در سراسر تاریخ خود از استمراری خلاق برخوردار بوده و با گذشت زمان خود را با شرایط متفاوت فرهنگی قبل و بعد از اسلام، انطباق داده است. از اینروست که نمادهای متعدد خورشید در هنر و آثار هنرمندان به خدمت دین در آمده است و کلید راهنمای آرمان‌گرایی نقوش‌تزیینی مساجد ایران نامیده می‌شود. معماران ایرانی هیچ‌گاه عناصر زائد را به معماری خود وارد نمی‌کردند و این موضوع در مورد تزیینات نیز صادق است زیرا همان‌طور که روشن شد، همه‌ی صورت‌های تزیینی در معماری ایرانی دارای معنا و مفهومی مشخص مربوط به دوره (هم‌چنین اعتقادات) خود هستند و در جهت نه تنها زیباسازی محیط بلکه برآوردن نیازهای روحی و روانی انسان به کار گرفته شده‌اند. هنرمندان با وارد نمودن تزییناتی این‌چنین سعی در القای روح به کالبد بناهای ارزشمندی همچون مساجد نمودند که می‌توان گفت در این مورد بسیار موفق بوده‌اند.



زیبا شناسی و نماد ماه

ماه از قدیمی‌ترین عناصر بکر طبیعت است که در میان اقوام ابتدایی پرستیده می‌شد. حتی پاره‌ای از محققین معتقدند شاید ماه از زمره خدایانی باشد که مقام الوهیت داشته است. شاید در آن هنگام که عصر کشاورزی جانشین عصر شکار گردید، ماه حکومت آسمان را به خورشید واگذار کرد؛ در واقع خدایان خورشید دوران‌های بعد صورت‌های تغییر شکل یافته خدایان ماه هستند. (صمدی، ۱۳۸۳: ۱۲-۱۳).

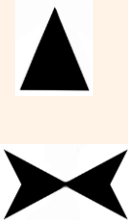
جدول ۵- نمادهای حیوانی متعلق به ماه

نقش نماد	توضیح نماد
بزکوهی با حلقه ماه و حرکت آب و گیاه هومه بزکوهی با صلیب مالتی در میان شاخ‌ها بزکوهی معمولاً با شاخ‌هایی بزرگتر از اندازه معمول و درست شبیه هلال ماه بر سفالینه‌ها ترسیم شده است. گاه فقط شاخ او نماد ماه است (صمدی، ۱۳۳۳، ۲۱).	
گوزن: گوزن نشانه‌ای از پیروزی تاریکی‌ها بر روشنایی‌ها بود. این حیوان را، از حیوانات متعلق به ماه دانسته‌اند.	
گاو و یا شاخ گاو: گاو جزو حیوانات شاخ‌دار است و به همین دلیل حیوان متعلق به ماه است.	
خرگوش: این حیوان به سبب تشابه تصویر ظاهری گوش با هلال ماه، حیوان وابسته به ماه است. (صمدی، ۱۳۶۷: ۲۴).	
مار: از خدایان نماد باروری است. مار شاخ‌دار نقش شناخته شده ماه است اما پس از پرستش خورشید، مار متعلق به خورشید می‌شود و نماد میترا می‌گردد و تهدیدی برای درخت ماه به حساب می‌آید	

۱۳ زمستان ۱۳۹۴



جدول ۶ - نمادهای هندسی متعلق به ماه

نمادهای هندسی متعلق به ماه	توضیح نماد
صليب مالتی: این نماد از قدیمی‌ترین نمادهای ماه دانسته شده است و چهار مثلث آن به چهار دوران ماه تعبیر شدن است.	
مثلث و دو مثلث چسبیده به هم از رأس: در ابتدا گوزن نماد آسمان بود که آنرا گاه با دو مثلث نشان می‌دادند. بعدها مثلث از نمادهای ماه گردید به همین دلیل بسیاری از خدایان ماه قابل تفکیک از خدایان آسمان نیستند.	
هلال: به سبب شباهت با هلال ماه نماد ماه است..	
دایره با امواج آب و گیاه هوما: این نقش که آبدان ماه نام دارد، نماد ماه با اشاره به صفت بارندگی است.	
دایره ماه با شعاع‌ها و هاله دور: هاله دور ماه علامت باران است. از این رو دایره‌ای که گاه دور آن شعاع‌هایی ترسیم شده باشد، نماد ماه است.	
مارپیچ(شاخ) شاخ بزکوهی با شاخ قوچ: شاخ جانورانی از قبیل بزکوهی و قوچ، به سبب شباهت ظاهری شاخ با هلال ماه، نماد ماه است، البته در باره شاخ قوچ، باید گفت که شاخ قوچ از نمادهای باروری و حاصل‌خیزی است.	



مردم بین‌النهرین بر این اعتقاد بودند که ارواح به طور کلی در خورشید و ماه و ستارگان مکان دارند و به تدریج این‌ها برای‌شان همانند خدایان گردیدند. (قدیانی، ۱۳۷۴: ۳۵). خدای ماه در بین‌النهرین «سین» نام داشت که خورشید «شمس» فرزند وی پنداشته شده بود و نقشی والاتر از شمش داشت. سین در حالت مادی‌اش پیرمردی بود با ریش دراز به رنگ لاجورد و معمولاً دستاری بر سر می‌کرد. (دادور و منصوری، ۱۳۸۵: ۵۶). ماه معمولاً مظهر نیروی مؤنث است و به عنوان ایزد بانوی مادر شناخته می‌شود. مادر - الهه و الهه‌های وابسته به او همیشه به ماه مربوط می‌شوند ماه با حاصل خیزی و رویش گیاهان و درختان در ارتباط است. مراحل ماه در آسمان نماد تولد و مرگ است و از همین طریق ابدیت و بی‌مرگی و تجدید حیات را تداعی می‌کند. در واقع ماه صورت‌های مختلفی به خود می‌گیرد. اولین ربع، ماه نیمه، ماه تمام و آخرین ربع. دائماً کاسته و پر می‌شود، می‌میرد و ولادت می‌یابد. ماه هم مثل مار و آب تجدید حیات و دگرپسندی دارد. ماه بخشنده باران به شمار می‌رود و از همین رو با باروری در ارتباط است. عقیده بر این است که باروری جانوران مثل حاصل‌خیزی گیاهان، تابع ماه است. ماه با مرگ هم بی‌ارتباط نیست. زیرا سه شب در آسمان دیده نمی‌شود ولی در واقع این نوع مرگ، نوع دیگر زندگی است. در اساطیر ایرانی، ماه خاصیت تطهیر کنندگی هم دارد. در اوستا، هفتمین یشت به ماه نسبت داده شده است.

در مشاهده ماه تبادل خیال و عقل پیش می‌آید، از منظرکانت که با دو رویکرد زیباشناسی کلاسیک مخالفت داشته می‌توانیم بگوییم وی هنر را واقعیتی مبهم نمی‌داند، در حالی که سنتی درزمینه زیباشناسی بود که نسبتی تام میان واقعیت و هنر برقرار می‌کرد. از سوی دیگر حس‌گرایی افرادی چون هیوم و هابسون را هم نپذیرفت. او نمی‌توانست بپذیرد که تجربه زیباشناسی صرفاً توانایی حسی روان آدمی باشد. کانت این تجربه را تجربه لذتی خاص معرفی کرد. هنگامی که ما اثری هنری را مشاهده می‌کنیم، از تعادل میان خیال و عقل لذت می‌بریم و این یک لذت زیباشناسی است. مشاهده نمادهای ماه و خورشید در طول تاریخ به نوعی لذت زیباشناسی را در انسان نمایان نموده که از نوع ارضای نیازها و اشتیاق‌ها و خواسته‌های انسانی نیست. لذتی است کاملاً جدا از منافع و امیال ما این زیبایی تلفیقی از خیال و عقل است و این نکته را کم و بیش در نظریات هگل هم می‌بینیم. کانت در نقدهای سه‌گانه‌اش در باره عقل نظری، عقل عملی و قوه عقل حکم به تفصیل در باره زیبایی، ماهیت و معنا و معیار ارزیابی آن سخن گفته است. برای کانت زیباشناسی با اخلاق ارتباط وثیقی دارد. مسئله‌ی تخیل، ذوق، لذت، رنج و خلاقیت هنرمند نیز از محورهای زیباشناسی کانت است اما آنچه برای او بیشتر اهمیت دارد، داوری زیبایی‌شناختی و کیفیت صدور حکم و ارزیابی آثار هنری و امور زیباست (همتی: ۱۳۸۷).



تقدس ماه در ایران باستان

به سبب قدرتی که در ماه متمرکز است و به علت واقعیت و حیات بی‌پایانی که ماه مظهر آن به شمار رفته، معبود و مسجود مردمان گردیده است. مناسبات میان ماه، باران، رستنی‌ها و حیوانات پیش از پیش قداست و اهمیت ماه را مشخص کرده و آن را به عنوان یگانه منبع باروری جهان مطرح ساخته است. به این دلیل که آدمی همواره در پی آن بوده است که مکنونات قلبی خویش را به اشاره بیان کند، ماه در نقش و نگارها جنبه‌ای نمادین یافته و در مسیر هنر، نقش اساسی را ایفا نموده است. در ایران، ماه این نگار نقره‌ای و نور مسحور سماء همواره مورد توجه بوده است. علاوه بر ماه سایر عناصر مفید طبیعت هم نزد مردم ایران باستان همیشه مجلای قداست به شمار میرفته‌اند. در دوران باستان تا قبل از دوره‌ی هخامنشی ماه از اهمیت والاتری برخوردار بود، اما پس از آن به دلایل مختلف از اهمیت ماه کاسته شد. در این دوران عناصر مربوط به ماه به عنوان نمادخورشید نیز به کار رفت و اهمیت خورشیددر این دوران بیشتر شد. با این وجود ماه هرگز اهمیت خود را به طور کامل از دست نداده و همواره به عنوان یک عنصر مفید مورد احترام بوده است. (آزادبخت، ۱۳۸۹: ۱۰۸). در ایران باستان پیش از زرتشت به خاطر ایمان به خدایان متعدد و پرستش عناصر طبیعت که از اعتقادات آریایی‌های ساکن این سرزمین بوده است. ماه که شب تیره و ظلمانی را روشنی می‌بخشد همواره به عنوان یکی از خدایان ستاش شده است. «اکرم» در چند مقاله تحقیقی بررسی جامع و دقیقی دارد بر روی نقوش مهرها، سفال‌ها و سکه‌های به دست آمده از ایران که متعلق به چهارهزارسال پیش از میلاد مسیح است. وی در پی تحقیقات خویش به این نتیجه رسیده است که در تمدن‌های اولیه ایران و عیلام، ماه اولین خدایی بوده که ستایش می‌شده است. گرچه اعتقادات مذهبی و ارزش‌های دیگری را سوای این منکر نمی‌شود، ولی با قاطعیت ماه را عمده‌ترین و اساسی‌ترین مقوله در آیین دینی این دوران می‌توان به حساب آورد. (همان، ۱۰۹). نقوش تزئینی در فرهنگ و هنر ایرانی اسلامی جای گاهی فراتر از زیبایی ظاهری دارد اگر چه جلوه‌دادن آثار هنری خود یکی از شاخصه‌های مهم هنرایرانی است ولی این هنر از ارزش‌های والاتری هم برخوردار است. هر نقش فقط رنگ و شکل نیست بلکه معانی هم دارد. در حقیقت ظاهر هر نقش در هنراسلامی در آغاز، در حکم دیدن یک معنای نادیدنی و باطنی است.



با مطالعه و پژوهش در این بُعد از هنر ایران مطمئناً احیا و درک بسیاری از مفاهیم نمادین را در پی خواهد داشت. نماد کلمه‌ای است که معنایی فراتر یا غیر از لفظ خود را القا می‌کند. نماد (که مظهر و سمبل هم نامیده شده) نشانه‌هایی است که نشان‌گر یک اندیشه، شیء، مفهوم، چگونگی و جز این‌ها می‌تواند باشد.

نماد می‌تواند یک شیء مادی باشد که شکلش بطور طبیعی یا بر پایه قرارداد با چیزی که به آن اشاره می‌کند پیوند داشته باشد. برای نمونه فروهر نماد مزدپرسی است. کانت احساس می‌کند که عنصر ذهن مقدم است. هیچ چیز زیبا یا والا نیست مگر اینکه احساس آن را چنین نشان دهد. ما زیبایی را به شیء نسبت می‌دهیم که تفکر در آن لذت غیر سودجویانه، یعنی لذت فارغ از همه تمایلات شخصی، به ما می‌دهد. شکل‌گیری نمادها یک روند آگاهانه نیست بلکه بر عکس از راه مکاشفه و یا شهود از دل ناخودآگاه تولید و بیرون داده می‌شود. اغلب اوقات نمادها به طور مستقیم از رویاها نتیجه می‌شوند یا از آنها تأثیر می‌پذیرند که این‌گونه نمادها پر از انرژی روانی و دارای نفوذی جبری و مقاومت ناپذیر هستند. نماد نه تنها باید بیانگر خیال‌پردازی‌های خودآگاهانه تکنولوژیک و فلسفی انسان باشد بلکه باید از ژرفای سرشت حیوانی او نیز خبر دهد: باید تقلیدی از کلیت انسان و بازگو کننده‌ی همان باشد و نماد ماه با زیبایی‌های فوق‌العاده خود در هنر امروز نیاز به بازنگری مجدد دارد.

دسته بندی نقش مایه‌های ماه و خورشید بر اساس کاربرد در هنر ایران

تجسم نمادین ماه و خورشید جایگاه مهمی را در هنر ایران به خود اختصاص داده و در دوران متمدنی مورد توجه هنرمندان قرار گرفته است. این نقش دارای مفاهیم نمادین فراوانی است قبل از اسلام قرص خورشید نماد روزنه‌ای بوده است که نور الوهیت از طریق آن بر زمین جاری می‌شد. قرص خورشید در نقش برجسته اهورا مزدا در وسط دو بال که در امتداد یکدیگر هستند قرار گرفته نیز بیانگر این موضوع است. کانت می‌نویسد؛ قضاوت بر پایه احساس هرگز نمی‌تواند توسط قوانینی که از عقل محض ناشی می‌شوند جهت دهی شوند. و هدف اصلی کانت بررسی ویژگی‌های ناب یا عقل محض بود که به صورت طبیعی، زیبا شناسی را شامل نمی‌شود. نقش قرص خورشید همراه دو بال بر فراز ستون‌ها و دیوارهای سنگی محافظ آسمان و جدا نگه داشتن آسمان از زمین بوده است و این زیبایی تلفیقی از خیال و عقل است. در هنر مسلمین شمسه ملهم از نقش مدور خورشید عموماً با نقوش اسلیمی، خطایی، کتیبه، هندسی و در بعضی موارد با استفاده از نقوش حیوانی مثل ماهی یا پرند طرح شده است.



این نقش در اکثر هنرهای تزئینی که در آثار مذهبی مثل تذهیب صفحه آغازین قرآن، تزئین داخل و بیرون گنبدها و مساجد و یا در دیگر هنرها مثل کتاب‌آرایی، قالی‌بافی، آلات فلزی و سفال به وفور مورد استفاده قرار گرفته است، تحلیل چگونگی ادراک حسی و مفهومی این آثار هنری توسط ناظر، کارکرد زیباشناسی این آثار محسوب می‌شود.

نقش نمادین شمس به صورت‌های مختلفی توسط هنرمندان کار شده است که گاهی شبیه قرص خورشید همراه با پرتوهای کوچک و یا به صورت جمع‌کثیری از تکرار شعاع‌ها به گونه‌ای که کل سطح را پوشش داده است گاهی در داخل قرص خورشید، صورت انسانی به شکل مؤنث با ابروهای به هم پیوسته و خال سیاه بر گونه‌ها نقش شده است. علاوه بر این موارد نقش شمس با نقوش دیگر، مثل چشمه، ماهی، شیر، سیمرغ به صورت ترکیبی همراه شده است نماد خورشید در بیشتر آثار هنری مسلمین دیده می‌شود و دارای معانی و مفاهیم نمادین فراوانی است که از جمله می‌توان آن را به عنوان نماد الوهیت و نور وحدانیت دانست. در مجموع، خورشید گاه نماد روز یا جوانی است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم سرزندگی، شادی و نیروی حیات را نشان می‌دهد. لبخند خورشید نماد میوه‌های رسیده در آفتاب و یا مظهر تابستان است. در واقع، محدودیتی در استفاده از این نماد وجود ندارد؛ حتی از اشعه خورشید می‌توان در تبلیغات لوازم روشنایی و یا تبلیغات طلا و جواهر استفاده کرد.

نمادهای ماه از ذوق بی حد مردمان باستان خبر می‌دهد که تا به امروز ادامه داشته است، کانت در نقدهای سه گانه اش عقل نظری، عقل عملی و قوه ی حکم به تفضیل در باره ی زیبایی، ماهیت معنا و معیار ارزیابی آن سخن گفته است. مسئله ی تخیل، ذوق، لذت و رنج و خلاقیت هنرمند نیز از محورهای زیباشناسی کانت است اما آن‌چه برای او بیشتر اهمیت دارد، دآوری زیبایی شناختی و کیفیت صدور حکم و ارزیابی آثار هنری و امور زیباست (همتی، ۱۳۸۷). یک نقاش یا طراح گرافیک هم می‌تواند از خورشید استفاده کند، حتی اگر با عنوان کارش ارتباط مستقیم نداشته باشد. او می‌تواند از جنبه‌های دیگر خورشید بهره برد. مثلاً ویژگی گسترده بودن اشعه خورشید و مرکز آن که می‌تواند به اطراف نور بیفشاند، می‌تواند در طراحی دکور نیز استفاده شوند، نماد ماه و خورشید زمینه‌ای برای خلق چیزهای دیگری است که همواره دست هنرمند را باز می‌گذارد تا به خلاقیت در عرصه‌های گوناگون هنری برسد. به این دلیل، این نماد امکان‌های زیاد و بسیار متنوعی را ایجاد می‌کند که ما هرگز از دیدن آنها خسته نمی‌شویم.

آسمان پهناور به همراه انبوه ستارگان و اجرام آسمانی همواره برای مردمان ایران باستان خاستگاه باورها، آئین‌ها و نگاره‌های آئینی بوده است. آسمان برای انسان جایگاه خدایان، سرچشمه قدرت و نیروهای حاکم بر سرنوشت او دانسته می‌شد زیرا انسان خود را در برابر عظمت آسمان ناتوان و دسترسی به آن را غیر ممکن می‌دانست و به همین دلیل بعضی از اجرام و پدیده‌های آسمانی جای‌گاهی نیک یافته و به مرتبه خدائی رسیدند.



مردمان باستان بر اساس تلقی خودشان از ستارگان و پدیده‌های کیهانی نقوشی را ترسیم می‌کردند و با به کارگیری آنها در زندگی روزمره کوشش می‌کردند تا خود را در پناه نیروهای قدرتمند و نیک آسمانی قرار دهند و یا از گزند نیروهای مخرب در امان دارند. خورشید و ماه نیز که از درخشان‌ترین و تابان‌ترین اجرام آسمانی هستند تأثیری فراوان بر باورها و آثار هنری مردم باستان داشته‌اند. تأثیر ماه و خورشید بر زندگی زمینیان و وابستگی عمیق مردم به آنها موجب شده است تا به عنوان محبوب‌ترین و توجه برانگیزترین پدیده پیرامونی بشر بر روی زمین و در پهنه آسمان باشد. اهمیت و جایگاه ماه و خورشید در گذر زمان‌های طولانی موجب شده تا نگاره آن بر روی کهن‌ترین نقوش سفال و کهن‌ترین سنگ‌نگاره‌ها دیده شود.

نتیجه گیری

باتوجه به اهمیت خورشید و ماه در زندگی مردم باستان می‌توان گفت کاربرد زیباشناسانه این دو نماد نه تنها با شرایط زندگی مردم، که با اعتقادات آنها رابطه‌ای تنگاتنگ داشته است. در این مقوله زیبایی و زیباشناسی به یکدیگر مرتبط هستند، کانت معتقد بود؛ علم و ایمان در دو حوزه کاملاً متفاوت عمل می‌کنند و هیچ‌کدام در اجزای دیگری به تحلیل نمی‌رود مگر این که نوع ثالثی از تجربه که نوعاً متفاوت باشد، محقق شود و به صورت یک سنتز، عمل نمایند. هم چنین کانت احساس را ورای فکر و اراده قرار داد که ادراک جهان حسی را که شناخت عقلی متعالی می‌کند و انسان را به فضایی ماورای حسی اوج می‌دهد علت یابی می‌کند. براساس آن چه گذشت، می‌توان به نتایج زیر دست یافت.

انسان برای نشان دادن مفهوم جاودانگی، از نمونه‌های ازلی و کهن‌الگوهای ذهنی به صورت ذاتی از علم زیباشناسی استفاده کرده است.

نمادین بودن این کهن‌الگوها باعث شناوربودن نقش ماه و خورشید گشته و در کسوت‌های گوناگون آشکار شده‌اند.

تغییرات نمادهای ماه و خورشید در هنرهای مختلف به دلیل رابطه بین هنر و اعتقادات مردم و تداومی است که همواره بین دستاوردهای جدید و قدیم وجود داشته است. از آنجایی که زیبایی کیفیتی در شیء نیست، بلکه زیبایی کیفیتی است که در ذهن مخاطبی که به آن تأمل می‌کند، شکل می‌گیرد، زیبایی گونه‌ای از احساس، و احساس نیز رابطه یا انطباق ذهن و عین است. از آن جا که هر احساسی در زمره تأثیرات حسی است، پس زیبایی نیز چیزی جز تأثیر حسی ساده در ذهن نیست. هنرمندان و صنعتگران در دوره‌های مختلف توانسته‌اند از کیفیات تصویری نمادهای ماه و خورشید در جهت بیان مفهومی و معنایی اعتقادات زمان خود بهره گیرند و نمادها در فرهنگ و هنر ایرانی جای‌گاهی فراتر از زیبایی دارند و دارای معانی باطنی هستند که هرگز دیده نمی‌شود.



منابع و مأخذ

کتاب‌ها

- اشمیت، اریخ ف. (۱۳۴۲)، *تخت جمشید، بناها، نقش‌ها و نبشته‌ها*، تهران: انتشارات امیرکبیر با همکاری انتشارات فرانکلین.
- بویس، مری (۱۳۸۵)، *تاریخ کیش زرتشت، جلد دوم هخامنشیان*، ترجمه: همایون صنعتی‌زاده، تهران: انتشارات نوین.
- تولستوی، نیکلایوویچ (۱۳۶۴)، *تریلوژی کودکی، نوجوانی و جوانی*، ترجمه: غلامحسین اعرابی، تهران: انتشارات سمیر
- دادور، ابوالقاسم؛ منصوری، الهام (۱۳۸۵)، *درآمدی بر اسطوره‌ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان*، تهران: انتشارات کلهر، دانشگاه الزهرا (س).
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۳)، *تاریخ مردم ایران، از پایان ساسانیان تا پایان آل بویه*، تهران: انتشارات سمیر
- سامی، علی (۱۳۴۸)، *پارسه، تخت جمشید، شیراز*، تهران: چاپ‌خانه موسوی.
- سرفراز، علی اکبر و فیروزمندی، (بهمن ۱۳۸۱)، *ماد، هخامنشی، پارت و ساسانی (باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی)*، انتشارات عفاف، چاپ اول، تهران.
- شلومو، لوک (۱۳۹۴)، *نظریه‌های هنر، درآمدی بر مبانی نقد دینی آثار هنری*، تهران: نشر ساقی
- صمدی، مهرانگیز (۱۳۸۳)، *ماه در ایران*، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- عتیقه چی، نسرین (۱۳۸۳)، *قرص بال‌دار نماد مقدس مشترک در خاور نزدیک باستان*، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی و هنری میعاد شکوفا.
- فیروزمندی و سرفراز (۱۳۸۱)، *مجموعه آثار معماری ایران*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- قدیانی، عباس (۱۳۸۴)، *شوش بهشت شهرهای عیلام*، تهران: انتشارات فرهنگ مکتوب.
- کخ، هاید ماری (۱۳۸۰)، *از زبان داریوش*، ترجمه: پرویز رجبی، تهران: نشر کارنگ.
- کرفیس، جان (۱۳۷۸)، *ایران کهن*، ترجمه: خشایار بهاری، تهران: نشر کارنگ.
- کزازی، میرجلال الدین (۱۳۷۶)، *رویا، حماسه، اسطوره*، تهران: مرکز.
- کوپر، جین (۱۳۸۶)، *فرهنگ مصور نمادهای سنتی*، ترجمه: ملیحه کرباسیان، چاپ دوم، تهران: فرهنگ نشر نو.
- مصطفوی، محمد تقی (۱۳۲۰)، *شرح اجمالی آثار تخت جمشید، گوردخمه‌ها*، تهران: چاپ تابان.
- ملکزاده بیانی، سوسن (۱۳۷۵)، *تاریخ مهر در ایران*، تهران: انتشارات یزدان.
- هیوم، دیوید (۱۳۸۵)، *تاریخ طبیعی دین*، ترجمه: از حمید عنایت، تهران: انتشارات فروغ

منابع مجلات

- آزادبخت، مجید (۱۳۸۹)، *ماه نور مسحورسما، ماه در هنر ایران*، تهران: کتاب ماه هنر، شماره ۱۴۱، (۱۰۸-۱۱۵).
- راسل، جیمز (۱۳۸۳)، *خورشید در فرهنگ زرتشت*، ترجمه: مانا دشتگلی، تهران: کتاب ماه هنر.

